

پنجمین در سورۀ یس طلب بر سر من مرقدا با ادب
 ششمین در سورۀ مؤمنین جایش آنجا انتم اصحاب النار
 ابتدا بر الذین یحلمون شد تمام این وقفها از ذوق فنون
 گفت پیغمبر شفیع المذنبین او بوحی خلق دنیا و دین **وقف الغفران**
 وقف غفران باشد اندر ده مقام هر که بکند وقف آنها در کلام
 میشود حق راضی از وی که کان ضامنش باشم بروضات الجنان
 وقف غفران را کن او صاحب هنر بر امید و عده خیر البشر
 اولش در مایده میدان یقین جایش اندر اولیا و اولین
ثانی از انعام اندر سمیعون دوز سجده فاسقا لایستون
پنجم در یس بدان با اعتقاد یک بود آثار هم دوم عباد
 هم سیم من مرقدا را نکر **چهارمین** ان اعبدون بر شهر
پنجمین هم مثلهم را با زبان در تبارک نیز یقیض بخوان
 هست در قرآن ذکر و فو النبی وقف جبرئیل نیز میخوانند هم
 وقفها را کن

۵۵ وقفها را کن رعایتها تمام بر طریق سنت خیر انعام
 بیفده موضع در کلام کردگار **وقف الکفران** نیست جایز و قوا آنها گوشه
 و بعد اوقف ساز ز نار و آت کفر باشد ایستادن بدتر است
 در نماز آن موجب بطلان بود و زیرون سرمایه خذلان بود
 و ضرورت باشد از ضیق نفس از پس وقف وصل عودش **وقف**
اول آنجا گفته حق ماحوله **ابتدا** به زب اللہ موجو
ثانی ان اللہ فقیر هست جا **ابتدا** نما و نخص اغنیاء
 فبعث اللہ بروهم رابع است **ابتدا** دیگر غرا با مانع است
خامس ان جایست و قالت الیهو **ابتدا** نبود دید الله نمود
سادس او الذین قالوا انکر **ابتدا** ان الله ثالث کر حذر
سابع اندر مایده شد مالنا **ابتدا** لا تؤمن با الله خطا
 ثم تو قالهم ثالث بدان **ابتدا** ایش الله مونو مغول
ثامن آنجا ضلال با مبین **ابتدایش** اقتلوا یوسفی مبین